یادداشت

احتمال مذاکره هست

مهدی مطهرنیا
کارشناس روابط بین‌الملل

اتحادیه اروپا به‌صورت یکدستگاه لبه چسبان دو سوی مذاکره یعنی ایران و آمریکا عمل می‌کند و دارای مقاومت وابسته نسبت به آمریکا از یک سو و وابسته به ایران از سوی دیگر است. اتحادیه اروپا در عین حال که نزدیک به آمریکاست و در بلوک غرب قرار دارد رقابت با چین و روسیه را نیز دنبال می‌کند. زمانی که تهران و واشنگتن یک مقاومت ثبات نسبت به پرونده هسته‌ای از خود نشان می‌دهند دستگاه لبه چسبان اتحادیه اروپا دچار ترک می‌شود؛ زمانی که برجام پذیرفته شد اروپایی‌ها تلاش کردند از این فرصت برای نزدیکی به تهران استفاده کرده و بازارهای ایران را هدف قرار دهند. آمریکا این معنا را نمی‌تواند بپذیرد. کاری که با روی کار آمدن ترامپ صورت گرفت تحت تاثیر همین معنا بود. اکنون آمریکا از یکسو اعلام می‌کند حاضر نیست امتیازاتی فراتر از برجام به تهران بدهد و از طرفی ایران خواهان بازگشت آمریکا به برجام به گونه‌ای است که از این بازگشت بتواند امتیازات بیشتری اخذ کند، در حالیکه آمریکا حاضر نیست حتی تحریم‌های پس از ترامپ را نیز از میان بردارد و لذا باید گفت در اینجا مقاومت وابسته اروپا ترک برمی دارد و آنچه که تحت عنوان بیانیه اتحادیه اروپا می‌بینیم ناشی از همین وضعیت است، همواره در زمانی که بین ایران و آمریکا مشکلات بیشتر می‌شود اروپا احساس ناامنی بیشتری می‌کند چون در نزدیکی بیشتر با ایران قرار دارد از طرف دیگر اروپا به خوبی می‌داند که نمی‌تواند با نزدیکی به ایران و برای نزدیک شدن به ایران از آمریکا امتیازی اخذ کند و لذا در چنین بافت موقعیتی که ایران یک دولت انقلابی دارد و این دولت نمی‌تواند آنگونه که دولت‌های دیگر در ایران زمینه تحرک دیپلماتیک را با آمریکا دارند دنبال کنند اروپا نیز دچار مقاومت شکننده می‌شود و اکنون می‌بینیم که اروپایی‌ها جلوتر از آمریکایی‌ها در ارتباط با برجام در حال اقدام هستند؛ نتیجتا باید گفت آمریکا بدون اینکه خود را درگیر کند اکنون با موضع گیری اروپا و رویارویی آژانس با ایران وارد عمل می‌شود. همیشه مذاکره احتمال دارد، حتی در زمان جنگ و درگیری بین کشورها به راحتی مذاکره بین کشورهای متخاصم از بین نمی‌رود، اما این دلیل نمی‌شود که با مذاکره به نتیجه نرسید. مذاکره یک افسارمندی سیاسی است دیپلماسی یعنی استفاده از پتانسیل‌های دیپلماسی برای کسب امتیاز بدون جنگ از رقیب و لذا باید گفت مذاکره نیز همواره محتمل است اما مذاکره دلیل برای رسیدن به یک وضع مطلوب نیست. در حالیکه مذاکره به دنبال پایین آوردن هزینه‌ها و دریافت امتیازات مطلوب است.

دریچه

هدیه آیت‌ا... رئیسی به گوترش چه بود؟

رئیس‌جمهور در دیدار با آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد کتاب بوستان سعدی و کتابی از مجموعه اسناد خلیج فارس یعنی ترکیبی از فرهنگ و تاریخ ایران را به وی اهدا کرد. آیت‌ا... سید ابراهیم رئیسی شب گذشته به وقت تهران در آخرین روز از سفر به نیویورک با آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل دیدار و گفت‌وگو کرد. رئیس‌جمهور کشورمان پس از این دیدار دفتر یادبود سازمان ملل را امضا و در پایان با اهدای کتاب بوستان شیخ اجل سعدی و کتابی از مجموعه اسناد خلیج فارس به وی، فرهنگ و هنر و تمدن و تاریخ غنی ایران را یادآوری کرد. سبک کتاب بوستان از نظر قالب شعری به‌صورت حماسی بوده و پادشاه سخن، سعدی شیرازی در ۱۰ باب، محتوای این کتاب را حول محور موضوعات مهمی همچون اخلاق، تربیت، مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی تنظیم کرده است. همان گونه که گفته شد، به علت مشکلات سیاسی، فرهنگی و شرایط نامناسبی که بر حال و هوای آن دوران حاکم بود، نوشتن کتابی حماسی با محتوای تعلیمی باعث شد تا اخلاق و ادب در سطح اجتماع بهبود یابد. آیت‌ا... سید ابراهیم رئیسی پس از شرکت و سخنرانی در هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شرکت و سخنرانی در اجلاس تحول آموزش در سازمان یونسکو، دیدار با برخی رهبران ادیان، دیدار با متخصصان و کارشناسان سیاست خارجی آمریکا، دیدار با مدیران ارشد رسانه‌های آمریکایی، برگزاری نشست مطبوعاتی و دیدار با ایرانیان مقیم این کشور نیویورک را به مقصد تهران ترک کرد. رئیس‌جمهور در این سفر همچنین با رئیس‌جمهور فرانسه، رئیس‌جمهور بولیوی، نخست وزیر پاکستان، نخست وزیر عراق، رئیس‌جمهور سوئیس، نخست وزیر لبنان، نخست وزیر ژاپن، رئیس‌جمهور فنلاند، رئیس‌جمهور صربستان، نخست وزیر ارمنستان، رئیس‌جمهور زیمبابوه و دبیر کل سازمان ملل متحد دیدار و گفت‌وگو کرد. سفر رئیسی به نیویورک در ادامه تلاش‌ها برای تحقق «نظم عادلانه بین‌المللی از طریق چندجانبه‌گرایی اقتصادی» انجام شد. رئیس‌جمهوری بعد ازظهر دوشنبه به وقت محلی به محض ورود به نیویورک در اجلاس تحول آموزش سازمان ملل که با همکاری یونسکو برگزار شد، با بیان اینکه معتقدیم تحول در آموزش بدون توجه به خانواده، عدالت و معنویت میسر نخواهد بود، گفت: ایران سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خود را با ابتناء به فلسفه تربیتِ ایرانی- اسلامی و بدون اتکا به رویکردهای تک بعدیِ سکولارِ موجود در سند ۲۰۳۰ تدوین کرده است. رئیس‌جمهور اسلامی ایران همچنین برای نخستین بار در نشست سران هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک حضور یافت.

محسن جلیلوند در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

گشایشی در زمینه برجام در اجلاس سازمان ملل به وجود نخواهد آمد

- اتفاقات ایران فضای رسانه‌ای پیرامون رئیسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد
- برای غرب پرونده هسته‌ای ایران نسبت به حقوق بشر از اهمیت بیشتری برخوردار است
- کانون محوری سخنرانی رئیسی درباره موضوع هسته‌ای بود
- رئیسی در سخنرانی خود روی خود موضوع تضمین‌ها تأکید داشت

آرمان ملی- احسان انصاری: ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد. وی در این سخنرانی درباره موضوعات مختلفی صحبت کرد و در حین سخنرانی عکس سردار سلیمانی را نشان داد و خواستار محاکمه عاملان ترور سردار سلیمانی شد. از سوی دیگر رئیسی در شرایطی به نیویورک سفر کرده که اتفاقات رخ داده در ایران می تواند سفر وی را تحت الشعاع قرار بدهد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با دکتر محسن جلیلوند، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. جلیلوند معتقد است: «سخنرانی آقای رئیسی در همان چارجوب سخنرانی روسای جمهور گذشته بود. اغلب روسای جمهور یک کشور هنگامی که در سازمان ملل سخنرانی می کنند مواضع گذشته خود را تکرار می کنند مگر اینکه اتفاق جدیدی رخ داده باشد و یک رئیس جمهور بخواهد درباره آن صحبت کند. در شرایط کنونی مهم ترین موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌هاست که آقای رئیسی روی این موضوع صحبت کردند و تقریبا کانون اصلی صحبت ایشان در همین زمینه بود. به همین دلیل نمی توان عنوان کرد در سخنرانی آقای رئیسی نکته تازه‌ای وجود داشته و بلکه همان مواضعی است که در سال گذشته عنوان شد و امسال نیز دوباره تکرار شده است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می خوانید.

ارزیابی شما از سخنرانی آقای رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل چیست؟

آقای رئیسی در سخنرانی خود در سازمان ملل همان مواضع جمهوری اسلامی را درباره مسائل مختلف تکرار کردند. روسای جمهور گذشته ایران نیز در همین چارچوب در مجمع عمومی سازمان ملل صحبت می کردند که این وضعیت برای آقای رئیسی نیز وجود داشت. با توجه به شرایط داخلی و خارجی کشور سخنرانی ایشان براساس رویکرد سیاست خارجی ایران در عرصه منطقه و بین‌المللی بود. یکی از موضوعاتی که آقای رئیسی روی آن تأکید داشتند عدالت اجتماعی و عدالت جهانی است که همواره مورد نظر روسای جمهور ایران در سازمان ملل قرار داشته است. واقعیت نیز این است که رهبران کشورهای مختلف که در سازمان ملل حضور پیدا می کنند در زمینه صلح و عدالت جهانی صحبت می کنند. اساسا سازمان ملل جایی است که رهبران کشورهای مختلف درباره صلح صحبت می کنند و آقای رئیسی نیز همین کار را کردند. اغلب روسای جمهوری که در سازمان ملل حضور پیدا می کنند از ضرورت همبستگی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بین کشورهای مختلف صحبت می کنند. این یک روال مرسوم در مجمع عمومی سازمان ملل است و آقای رئیسی نیز با همین رویکرد رفتار کردند. نکته دیگری که در سخنرانی آقای رئیسی وجود داشت نشان دادن عکس سردار سلیمانی بود. برخی روسای جمهور برای تأثیرگذاری بیشتر سخنرانی خود عکس‌هایی را نشان می‌دهند که آقای رئیسی تصمیم گرفته بودند برای این کار عکس سردار سلیمانی را نشان بدهند تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. البته رئیس‌جمهور خواستار محاکمه مسببان ترور شهید سلیمانی نیز شدند و عنوان کردند که از طریق محاکم بین‌المللی این موضوع را پیگیری خواهند کرد. نکته دیگری که در سخنرانی آقای رئیسی وجود داشت این بود که موضوع هسته‌ای را به عنوان کانون محوری سخنرانی خود در نظر گرفته بودند. موضوع مهمی که وجود دارد بازتاب سخنان رئیس‌جمهور و واکنش‌هایی است که نسبت به این سخنرانی وجود خواهد داشت. باید چند روز از سخنرانی رئیس‌جمهور بگذرد تا واکنش‌ها نسبت به این سخنرانی مشخص شود.

آیا سخنرانی آقای رئیسی حاوی نکته جدیدی نسبت به روسای جمهور گذشته ایران بود؟ چه تفاوت‌هایی بین سخنرانی آقای رئیسی با روسای جمهور گذشته ایران وجود داشت؟

واقعیت این است که سخنرانی آقای رئیسی حاوی نکته جدیدی نبود و همان چارجوب سخنرانی روسای جمهور گذشته بود. اغلب روسای جمهور یک کشور هنگامی که در سازمان ملل سخنرانی می کنند مواضع گذشته خود را تکرار می کنند مگر اینکه اتفاق جدیدی رخ داده باشد و یک رئیس‌جمهور بخواهد درباره آن صحبت کند. به عنوان مثال اگر پوتین در سازمان ملل سخنرانی کند ناگزیر است که درباره جنگ اوکراین صحبت کند. دلیل این کار نیز این است که جنگ اوکراین اتفاق افتاده و در شرایط کنونی سرنوشت آن برای مردم جهان حائز اهمیت است. به همین دلیل هنگامی که پوتین از جنگ اوکراین صحبت می کند درباره اتفاقی صحبت می کند که مسأله روز مردم جهان است. با این وجود هنگامی که اتفاق خاصی در سیاست خارجی ایران در ماه‌های اخیر رخ نداده موضوع دیگری وجود ندارد که رئیس‌جمهور درباره آن صحبت کند. در شرایط کنونی مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌هاست که آقای رئیسی روی این موضوع صحبت کردند و تقریباً کانون اصلی صحبت ایشان در همین زمینه بود. به همین دلیل نمی‌توان عنوان کرد در سخنرانی آقای رئیسی نکته تازه‌ای وجود داشته و بلکه همان مواضعی است که در سال گذشته عنوان شد و امسال نیز دوباره تکرار شده است.

> کانون محوری سخنرانی رئیس‌جمهور درباره تضمین‌ها بود که باید چه تضمین‌هایی داده شود تا مذاکرات در آینده به نتیجه برسد. این موضوعی است که ایران نیز در طول مذاکرات به آن اشاره کرده بود و خواستار تضمین‌های کاربردی شده بود. به نظر می‌رسد یکی از گره‌های اصلی مذاکرات همین موضوع تضمین‌هاست که ایران روی آن تأکید دارد

آقای رئیسی موضوع محوری سخنرانی خود را به موضوع هسته‌ای اختصاص داده بودند. آیا نکته‌ای در سخنان ایشان وجود داشت که در مسیر مذاکرات تغییر و گشایشی ایجاد کند؟

کانون محوری سخنرانی رئیس‌جمهور درباره تضمین‌ها بود که باید چه تضمین‌هایی داده شود تا مذاکرات در آینده به نتیجه برسد. این موضوعی است که ایران نیز در طول مذاکرات به آن اشاره کرده بود و خواستار تضمین‌های کاربردی شده بود. به نظر می‌رسد یکی از گره‌های اصلی مذاکرات همین موضوع تضمین‌هاست که ایران روی آن تأکید دارد. به همین دلیل نیز رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در سازمان ملل نیز روی این موضوع تأکید داشت. مشاور امنیت ملی آمریکا به تازگی عنوان کرد که از اجلاس امسال سازمان ملل گشایشی درباره برجام صورت نخواهد گرفت و به نظر می‌رسد این اتفاق رخ خواهد داد و گشایشی در زمینه برجام رخ نخواهد داد. واقعیت این است که مواضع طرفین توافق نسبت به یکدیگر دور است. این در حالی است که برای رسیدن به توافق باید این مواضع تعدیل شود که تاکنون نشانه‌هایی از آن مشاهده نشده است. امروز ایران می‌گوید که فشار حداکثری ما و مقاومتی که در مقابل تحریم‌ها داشته این باعث شده آمریکا پای میز مذاکره بیاید. از سوی دیگر آمریکایی‌ها نیز معتقدند ایران به نقطه‌ای رسیده که نقطه گریز نام دارد. به همین دلیل مسائلی مانند غروب برجام موضوعیت خود را از دست داده است. امروز برجام به نقطه‌ای رسیده که دیگر قابل مشاهده نیست و افق‌های آن پیدا نیست. ایران معتقد است در شرایطی قرار دارد که دست بالا را در مذاکرات دارد. در چنین شرایطی آمریکا نیز بر این باور است که اگر قرار است ما به برجام بازگردیم باید شرایطی به وجود بیاید که توان هسته‌ای ایران قابل مهار باشد. در چنین شرایطی مذاکراتی که صورت می‌گیرد پیامدهای مثبتی به‌همراه نخواهد داشت. ایران بر این باور است که به غنی سازی ۶۰ درصد رسیده و این فشار حداکثری ایران بوده که کشورهای غربی و به خصوص آمریکا را مجبور کرده پای میز مذاکره بیایند. اگر همه این مسائل را کنار هم قرار بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که طرفین در شرایطی قرار ندارند که به یک توافق جامع و با چارچوب‌های مشخص دست پیدا کنند. در بهترین حالت شاید طرفین روی جزئیاتی با هم به اشتراک دست پیدا کنند. اینکه آمریکا عنوان کرده حاضر است تضمین‌هایی بدهد دارای ابهام است و مشخص نیست چه تضمین‌هایی قرار است داده شود.

با توجه به اتفاقاتی که در درون کشور رخ داده است سفر آقای رئیسی به چه میزان تحت تأثیر این اتفاقات قرار داشته و برخورد افکار عمومی با رئیس‌جمهور ایران در نیویورک به چه صورت بوده است؟

به هر حال سفر اخیر آقای رئیسی با اتفاقات ناشی از درگذشت خانم امینی در ایران همزمان شده و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که رسانه‌های گروهی جهان که در نیویورک هستند نسبت به این موضوع از آقای رئیسی سوال کنند. نکته دیگر اینکه چند هفته قبل از سفر آقای رئیسی و اینکه این اتفاقات در کشور رخ بدهد دبیر کل سازمان ملل متحد عنوان کرده بود که در اجلاس امسال درباره دو موضوع با آقای رئیسی صحبت خواهد کرد. این دو موضوع نیز شامل مذاکرات هسته‌ای و حقوق بشر در ایران خواهد بود. با توجه به اتفاقاتی که در ایران رخ داده و واکنش‌هایی که مردم نسبت به درگذشت خانم امینی نشان داده‌اند این احتمال وجود دارد که نگرش رسانه‌های گروهی نسبت به آقای رئیسی نسبت به آنچه از قبل پیش بینی می‌شد شدیدتر صورت بگیرد. برنامه سفر روسای جمهوری به نیویورک معمولا از چند ماه قبل برنامه‌ریزی می‌شود که چه سخنانی را مطرح کنند، کجا بروند و با چه روسای جمهور دیگری دیدار و گفت‌وگو کنند. حتی مصاحبه با رسانه‌های گروهی و سوالاتی که قرار است از رئیس‌جمهور پرسیده شود از قبل بررسی می‌شود. با این وجود هنگامی که قبل از سفر چنین اتفاق غیرمنتظره‌ای در کشور رخ می‌دهد بسیاری از برنامه‌های از پیش تعیین شده تغییر می‌کند. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که در اجلاس سازمان ملل روی سیاست داخلی کشورها مانور داده نمی‌شود و بیشتر روی سیاست خارجی تأکید می‌شود. به همین دلیل کسی که در سازمان ملل سخنرانی می‌کند درباره اتفاقات داخل کشور خود صحبت نمی‌کند. البته برخی رهبران جهان مانند امیر قطر درباره وضعیت داخلی کشور خود که در آستانه برگزاری جام‌جهانی است صحبت کرد. این وضعیت نیز طبیعی است و به هر حال قطر به دلیل اینکه در ماه‌های آینده میزبان جام‌جهانی است که اتفاق مهمی به شمار می‌رود باعث شد امیر قطر در نشست امسال سازمان ملل در این زمینه سخنرانی کند. البته آقای رئیسی نیز در سخنرانی خود به برخی مسائل داخلی مانند پیشرفتی که در زمینه دانش و افق‌های جدید کردند که این امر مرسومی از سوی روسای جمهور ایران است و اغلب روی دستاوردهایی که به دست آمده یا در آینده به دست خواهد آمد تأکید می‌کنند. در اجلاس سازمان ملل موضوع سیاست خارجی از اهمیت بیشتری برخوردار است. این در حالی است که در شرایط کنونی موضوع پرونده هسته‌ای ایران برای غرب از اهمیت بیشتری برخوردار است تا موضوع حقوق بشر. به هر حال غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران دغدغه امنیتی دارد و به همین دلیل موضوع امنیتی برای آنها از حقوق بشر اهمیت بیشتری دارد.

> سفر اخیر آقای رئیسی با اتفاقات ناشی از درگذشت خانم امینی در ایران همزمان شده و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که رسانه‌های گروهی جهان که در نیویورک هستند نسبت به این موضوع از آقای رئیسی سوال کنند

آقای باقری مذاکره کننده ارشد هسته‌ای ایران نیز در نیویورک حضور دارد. به چه میزان این احتمال وجود دارد که رایزنی‌هایی برای باز کردن گره‌های مذاکرات در دیدار با رهبران کشورهای دیگر به وجود بیاید؟

براساس آنچه مشاور امنیت ملی آمریکا عنوان کرد قرار نیست در این اجلاس گشایشی در زمینه مذاکرات صورت بگیرد. به همین دلیل آمریکا تمایلی ندارد در این اجلاس درباره مذاکرات هسته‌ای صحبت کند. اگر قرار است اتفاق مهمی در مذاکرات رخ بدهد باید توافق جامعی منعقد شود که هم تحریم‌های اقتصادی از روی ایران برداشته شود و هم اینکه آمریکا از میزان غنی‌سازی ایران مطمئن شود و اطمینان پیدا کند که ایران از دیواره آتشین عبور نخواهد کرد. من فکر می‌کنم هر دوطرف سطح بلاتکلیفی را در مقابل یکدیگر حفظ خواهند کرد. به همین دلیل به سمتی حرکت نخواهند کرد که این سطح بلاتکلیفی از بین برود. البته شاید اگر بخواهند به این سمت حرکت کنند نیز نخواهند توانست و در نهایت به نتیجه نخواهند رسید.

ناصر ایمانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آموزش؛ صف معترض با اغتشاشگر را از هم جدا می‌کند

- فرهنگ اعتراض را در کشور نهادینه نکرده‌ایم

آرمان ملی: دختری به نام مهسا امینی بعد از اینکه توسط گشت ارشاد در نزدیکی پارک طالقانی جلب می‌شود، به یکباره در سالن پلیس امنیت اخلاقی بعد از صحبت با یکی از بانوان مسئول حاضر در سالن سر خود را دو دستی می گیرد و به زمین می‌خورد. بعد از انتقال مهسا به بیمارستان کادر درمان اقداماتی برای احیای وی را انجام می‌دهند، اما گویا تلاش‌ها بی‌فایده بوده و مهسا امینی فوت می کند. رئیس‌جمهور با خانواده مرحومه امینی تماس می‌گیرد و ضمن تسلیت به اعضای خانواده، قول پیگیری دقیق حادثه‌ای که برای فرزند آنها ایجاد شده را می‌دهد. از سوی دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز ضمن محکومیت این واقعه قول پیگیری ابعاد آن را می‌دهند و دستگاه قضا نیز تاکید موکدی برای روشن شدن حادثه‌ای دارد که به افکار عمومی آسیب وارد کرده است اما سوی دیگر ماجرا در کف خیابان است. طی چند روز بر تعداد معترضان افزوده می‌شود و پلیس پیشگیری با تاکید بر متفرق شدن معترضین از آنها درخواست می کند که صحنه را ترک کنند. از سوی دیگر برخی درگیری‌ها بین نیروهای پلیس و شهروندان مشاهده می‌شود که به هیچ وجه قابل توجیه نیست و مشخصه آن اینگونه است که پلیس با خویشتنداری بعد از اینکه مردم را متفرق می کند مجبور می‌شود از گاز اشک آور و.. استفاده کند، با واکنش برخی تظاهر کنندگان روبه‌رو می‌شود. آمارهای رسمی از کشته شدن چند نفر در تظاهرات‌هایی که دیگر از حالت اعتراض خالی شده است، به گوش می‌رسد. از سوی دیگر چند نفر از نیروهای پلیس و بسیجی شهید می‌شوند و زد و خورد بین معترضین که دیگر معترض نیستند و خشم در رفتار آنها قابل مشاهده است با نیروهای پلیس مشاهده می‌شود. به بهانه بررسی شرایط به وجود آمده برای کشور در پی فوت مرحوم مهسا امینی «آرمان ملی» با ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا به گفت‌وگو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

حادثه‌ای برای خانم مهسا امینی به وجود آمد که با سرعت زیاد با واکنش از سوی شهروندان روبه‌رو شد و مردم فارغ از (اغتشاشگران) به‌شدت نگران شدند. چرا ابعاد این حادثه وسیع شد؟

واقعیت این است که در حال حاضر بخشی از جامعه که در چند روز گذشته اقدام به برپایی تظاهرات کردند، به صحبت‌های مسئولان ذی‌ربط که اعلام کردند، این حادثه کاملا طبیعی بوده، اعتماد نکردند. اینکه دلایل این عدم اعتماد چیست بحث دیگری است بنابراین نظر این عده این است که این خانم با برخوردهای فیزیکی کشته شده است. درحالی که براساس گزارش‌هایی که تا به حال از سوی مقامات مختلف اعم از مقامات پزشکی یا غیر پزشکی منتشر شده که البته هنوز گزارش نهایی این حادثه از سوی پزشکی قانونی منتشر نشده، این حادثه را کاملا طبیعی اعلام شده و نهایتا به‌خاطر استرس محیطی که به این خانم وارد شده؛ او دچار شوک قلبی شده است. دلایل دیگری هم می‌توان برای این اعتراضات برشمرد. این دلایل به انباشت اعتراضات و مطالباتی که بخش‌هایی از جامعه دارد، باز می‌گردد. این بخش از جامعه نتوانستند پاسخ خود را در طول زمان دریافت کنند. دولت‌ها هم نسبت به آنها کم توجهی کرده در نتیجه این انباشت مطالبات، بعد از یک حادثه که طبیعی است، اعتراضات مردمی به وجود آمد.

آقای ایمانی شما فعال رسانه‌ای هستید. چرا هر بار در این کشور اعتراضی به هر چیزی به وقوع می‌پیوندد و ابعاد آن گسترش می‌یابد، در ابتدا کاملا مدنی است اما در نهایت اینترنشنال و بی‌بی سی است این اعتراضات را از حالت مدنی خارج و به خشونت می‌کشانند؟

باید افسوس خورد که چرا نتوانستیم طی سال‌های گذشته یک اعتراض مدنی آرام و در چارچوب‌های تعریف شده بین‌المللی و حتی قوانین داخل خود داشته باشیم. در این معنا که در ایران یکسری محرومیت‌ها داریم از جمله این محرومیت‌ها تحریم و مشکلات اقتصادی است. یکی از این محرومیت‌ها، محرومیت از اعتراض منطقی و مدنی و آرام است. اعتراضات در کشور ما بلافاصله در همان روزهای اول یا حتی برخی در ساعت‌های اول رنگ خشونت‌هایی را به خود می‌گیرد که شاید کم سابقه باشد. اعتراضات به سرعت رنگ تخریب می‌گیرد. همین موضوع باعث می‌شود که اعتراضات ابتر بماند. به‌طور طبیعی با این اعتراضات هم افکار عمومی برخورد می‌کند و هم حاکمیت با این اعتراضات برخورد می‌کند. در نتیجه حرف‌ها نشنیده باقی می‌ماند و یک مشت اغتشاشگر و نه تعدادی مردم معترض در صحنه باقی می‌مانند. علت نیز ورود رسانه‌های خارجی است. رسانه‌های خارجی آنقدر در ماجرای خانم مهسا امینی به سرعت وارد ماجرا شدند. چند ساعت بعد از حادثه و در شرایطی که ایشان هنوز از دنیا نرفته بود رسانه‌های خارجی وارد ماجرا شده و در حجم وسیع تبلیغات کردند که باورکردنی نبود. رسانه‌ها حتی ساعت و محل تجمع را اعلام می‌کنند و نوع اعتراضات را هم اعلام می‌کنند. آنها نفت که هیچ الکل به آتش می‌ریزند و فکر می‌کنند که این آخرین اقدام برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است. سال‌هاست که این رسانه‌ها از چنین خیال‌های خامی داشته‌اند اما آنچنان این رسانه‌ها دستپاچه می‌شوند و به میدان می‌آیند که عجیب است. شما ببینید حتی بی‌بی‌سی که رسانه رسمی حکومت انگلستان است، در مورد هیچ کشوری در طول تاریخ چند دهه ساله تشکیل خود اقدام به مداخله رسانه‌ای نمی‌کرد اما در مورد ایران آنچنان گستاخانه وارد میدان شده که دیگر اخبار نمی‌گوید بلکه فرماندهی اعتراضات را در دست دارد. همین طور صدای آمریکا و رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی. این حجم از ورود آنها واقعا تعجب برانگیز است. چه اتفاقی افتاده است. تعدادی مردم معترض به خیابان آمده‌اند و حق اعتراض دارند و البته بدون خشونت و حقشان را بیان کنند. ورود آنها به ماجرا ورود صرف نیست، بلکه به خشونت تشویق می‌کنند یعنی رسما تشویق می‌کنند که مردم اعتراضات آرام نداشته باشند و بیایند و تخریب کنند و بیایند و بکشند. هیچگاه در چنین شرایطی رسانه‌های خارج از کشور، مردم را به آرامش دعوت نکرده و نمی‌کنند. اگر آنها قصد داشته باشند که صدای مردم ایران به گوش مسئولان جمهوری اسلامی برسد قاعدتا باید مردم را تشویق کنند که آرام تظاهرات کنند که اما چرا تشویق به خشونت می‌کنند. این مورد خود خیلی نکته عجیبی است که فعالان رسانه باید این مورد را مورد تحقیق قرار دهند که چرا آن رسانه‌ها تشویق به خشونت می‌کنند. در مورد هیچ کشوری در دنیا این مورد مسبوق به سابقه نبوده است. یکی از دلایلی که باید در این تظاهرات‌ها شک کرد که آیا مردمی است یا نه باید نگاهی به حجم دخالت‌های خارجی انداخت که آیا اعتراضات واقعا ملی است؟ اگر اعتراضات ملی باشد این حجم از دخالت‌های خارجی نباید در آن وجود داشته باشد.

> یکی از دلایلی که باید در این تظاهرات‌ها شک کرد که آیا مردمی است یا نه باید نگاهی به حجم دخالت‌های خارجی انداخت که آیا اعتراضات واقعا ملی است؟ اگر اعتراضات ملی باشد این حجم از دخالت‌های خارجی نباید در آن وجود داشته باشد

جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب در ایران همواره به حقوق اعتراضی مردم تاکید دارند و به رفتار مدنی در اعتراضات می‌اندیشند، چرا با وجود درخواست برای اعتراضات که اگر هم برگزار شود، مدنی باشد باز هم اعتراضات در ایران رنگ خشونت به خود می‌گیرد؟

یکی از دلایل آن دخالت رسانه‌های بیگانه و سرویس‌های خارجی است و آنها رسما اعتراضات در ایران را به خشونت می‌کشند. دلیل بعدی این است که ما هنوز فرهنگ اعتراض و اعتراضات را در کشور نهادینه نکرده‌ایم. اعتراض کردن فرهنگی می‌خواهد که مردم چگونه و در چه چارچوبی اعتراض کنند که حرف آنها مسموع واقع شود.

> شما ببینید حتی بی‌بی‌سی که رسانه رسمی حکومت انگلستان است، در مورد هیچ کشوری در طول تاریخ چند دهه ساله تشکیل خود اقدام به مداخله رسانه‌ای نمی‌کرد اما در مورد ایران آنچنان گستاخانه وارد میدان شده که دیگر اخبار نمی‌گوید بلکه فرماندهی اعتراضات را در دست دارد

چرا فرهنگ اعتراضات در ایران نهادینه نشده است؟

علت این است که مسئولان دولتی و خصوصا وزارت کشور در طول سال در مورد مجوز به تجمعات کوتاهی می‌کنند. باید اجازه داد تجمعات قانونی برگزار شود. در طول سال و به مناسبت‌های مختلف باید اصناف و یا جریان‌های سیاسی و حتی احزاب مجوز بگیرند و سر موضوعات مختلف در چارچوب مشخص و با شعارهای مشخص‌تر و مسیرهای معلوم و با افرادی که مسئولیت آن را بپذیرند؛ باید مجوز برپایی اعتراض دارد. این مجوزها از نظر روانی مردم را تخلیه می‌کند و درثانی به مردم آموزش می‌دهند که اعتراض یعنی این و باید اینگونه اعتراض کرد. وزارت کشور باید در طول سال اجازه تظاهرات دهد و هر سال آمار بدهد که امسال چند مجوز برگزاری تظاهرات و اجتماعات را به احزاب و گروه‌ها و اصناف داده است. در این صورت صف اغتشاشگر با تظاهرکننده به سرعت جدا و اغتشاشگر به سرعت شناسایی می‌شود.

آیا تنها با این روش‌ها می‌توان از بروز خشونت در اعتراضات جلوگیری کرد؟

واقعیت این است که برخی مشکلات اجتماعی در ایران وجود دارد که به آنها از سوی مسئولان کم توجهی می‌شود. در نتیجه یک حادثه بسیار معمولی باعث اوج گرفتن اعتراضات می‌شود. مسئولان باید به این موارد توجه کنند و جامعه شناسان، روانشناسان، سیاسیون باید این موارد را در نظر بگیرند. البته تظاهرات‌های فعلی تمام خواهد شد. از این رو باید مسئولان تدبیر کنند که چرا بخشی از جامعه سخن مسئولان را درک نمی‌کند. البته عکس این مورد نیز وجود دارد. چه تدبیری باید برای این موضوع قرار داد؟ مثلا برای نمونه تعریفی که بخشی از جامعه از حجاب دارد با تعریف بخش دیگر جامعه دارد، متفاوت است. این تعاریف باید یکسان سازی شود؟ منظور البته تعریف حجاب است نه اصل حجاب. بنده معتقدم تظاهرات‌هایی که در چند روز گذشته صورت گرفته اساسا دیگر نامی از خانم مهسا امینی در آن شنیده نمی‌شود. تظاهرات‌های اخیر دیگر در اعتراض به فوت آن مرحوم نیست. دیگر شعاری شنیده نمی‌شود که چرا آن مرحوم فوت کرده است. حتی در اعتراض به یک نهادی به نام گشت ارشاد هم نیست. اعتراضات و شعارها به سمت مسئولان و هنجار شکنانه پیش رفته است. گویا بخشی در انتظار بهانه‌ای به نام خانم امینی بودند. چرا باید در انتظار بود که حادثه‌ای رخ دهد که برخی اعتراض کنند. اگر نگوییم حجاب چند تعریف دارد حداقل دو تعریف دارد یکی تعریف رسمی است. تعریفی که متناسب با سنت‌های ایرانی است و تعریف جدیدی هم به وجود آمده که باید گوش داد. سیاست‌های اعمالی و اعلانی را در این باره باید یکی کرد و اجازه داد انرژی‌های مردم تخلیه شود. زیرا واقفیم در شرایط فعلی کشور با مشکلات اقتصادی و تحملی که مردم دارند و با وجود فشارهای بین‌المللی و مسائلی مانند بیکاری و تورم، برخی معترض‌اند. باید آنها را به رسمیت شناخت و با زبان آنها آشنا شد و نوعی دیالوگ با معترضان برگزار کرد تا آنها شرایط را بپذیرند و ما هم حرف آنها را قبول کنیم.

نگره

ناگفته‌هایی از جنگ تحمیلی

علایی: ایران آماده نبود

در آستانه چهل و سومین سالگرد بزرگداشت دفاع مقدس، میزگرد «بازخوانی پرونده جنگ؛ علل، شروع و تداوم» پیش از ظهر چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه در پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی برگزار شد. سردار حسین علایی در این نشست با اشاره به اینکه پیش از پیروزی انقلاب ایران و عراق هیچ گونه اختلاف مرزی نداشتند، گفت: اواخر اسفند سال ۶۳ توافقی اتفاق افتاد که منجر به معاهده الجزایر شد و در این معاهده هم سازوکار حل اختلاف وجود دارد. یک معاهده بسیار جامع و کامل و جزو معاهدات کم نقص ایران و سایر کشورهاست. بنابر این ما هیچ گونه اختلافی نداشتیم. حتی در خاطرات مرحوم آقای دعایی می گوید عراق وقتی می‌خواست امام را اخراج کند گفتند ما با ایران توافق داریم و طبق آن حق نداریم به مخالفین هم اجازه بدهیم و امام هم فرمود من به مردم تعهد دارم. رئیس اسبق ستاد مشترک سپاه پاسداران افزود: اما بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله اقداماتی در داخل ایران صورت می گیرد که ریشه آن در عراق است. یکی اقداماتی است که حزب دموکرات در کردستان انجام می‌دهد و همان هفته اول پیروزی انقلاب پادگان مهاباد را می گیرند و می‌خواستند پادگان سنندج را بگیرند. نمی‌شود گفت که فقط حزب دموکرات دنبال خودمختاری بود و از این کارها می‌کند. یک اقدام عجیب هم در خوزستان شروع شد و وانت وانت برای سران عشایر خوزستان اسلحه می‌فرستادند. وی یادآور شد: از طرفی خود عراق بعد از پیروزی انقلاب یک سری کارها کرد. فکر می‌کنم یک ماه پس از پیروزی انقلاب حملات به پاسگاه‌های مرزی را شروع کردند. از طرفی در داخل عراق می‌بینیم مسئولین سیاسی سه موضوع را مطرح می‌کنند. اول اینکه می‌گویند ایران معاهده ۱۹۷۵ را اجرا نکرده و بنابراین ما آن را قبول نداریم. دومین حرف عجیب آنها این بود که ایران باید سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را به اعراب برگرداند و سوم اینکه در خوزستان حکومت خودمختار تشکیل شود. علایی تأکید کرد: سمت ایران اصلا از روز اول انقلاب دست اندرکار تشکیل ساختار کشور بودیم. دولت موقت نسبت به اقدامات عراق حساس شد و در کنفرانس هاوانا وزیر خارجه ایران درخواست کرد که با صدام حسین دیدار کند و آقای دکتر یزدی دنبال این بوده که مثلا حل و فصل کند. صدام می‌گوید فرصتی به دست آمده که نباید این فرصت را از دست بدهیم. از طرفی کشوری که می‌خواهد جنگ شروع کند، باید در حوزه نظامی و اقتصادی آمادگی پیدا کنند. وی افزود: ما در این طرف هیچ اقدامی برای جلوگیری از جنگ نکردیم یا نمی‌توانستیم بکنیم. چون تصور من این است که بعد از انقلاب تصور اینکه عراق به ما حمله کند غیر قابل قبول بوده و به همین خاطر در همه ساختارها غافلگیر شدیم و هیچ کاری نکردیم. به ارتش نمی‌توانستیم اتکا کنیم و برای سپاه هم آماده باشی ابلاغ نشد. از نظر سیاسی هم ما آن موقع وزیر خارجه نداشتیم و شما نمی‌بینید که وزارت خارجه حتی یک نامه به شورای امنیت سازمان ملل نوشته باشد یا یک کشوری را واسطه کرده باشند. رئیس اسبق ستاد مشترک سپاه پاسداران اظهار داشت: اقدام اداری هم انجام ندادیم. یعنی رئیس‌جمهور به استان‌های مرزی اعلام کند که عراق ممکن است حمله کند و شما آماده باشید و حتی اعلام نکردند که گمرک خرمشهر را خالی کنید و عراقی‌ها گمرک خرمشهر را غارت کردند. بنابر این یک طرف عراق است که آماده جنگ بوده و یک طرف ایران بوده که کوچک‌ترین اقدامی برای مقابله انجام نداده است. حسین علایی در بخش دوم سخنان خود با اشاره به اینکه هر کشوری یک جنگ را برای پیروزی آغاز می کند، گفت: صدام اگر مطمئن نبود که پیروز می‌شود، جنگ را شروع نمی کرد. ولی من به این نتیجه رسیده‌ام که نه در توان صدام بوده که بخواهد انقلاب اسلامی ایران را از بین ببرد و در اسناد عراق دیده‌ام غیر از سه موضوعی که برای جنگ مطرح کرده بود، چیز دیگری ندیده‌ام و در قابلیت عراق هم این را ندیده‌ام. نکته بعد این است که کسانی که مسئول می‌شوند باید دنیا را بشناسند و نکته دیگر این است که هرچه دشمن می گوید را قبول کنیم؛ وقتی عراق تهدید به جنگ می کرد، هیچ‌کس اعتنا نمی کرد و ما تهدید را آمریکا می‌دانستیم و حتی امام فرمان بسیج مستضعفین را در مقابل حمله آمریکا بعد از قضیه سفارت داده‌اند. رئیس اسبق ستاد مشترک سپاه پاسداران افزود: ارتش در زمان شاه بر مستشاران آمریکایی تکیه داشت و نبض فناوری ارتش در کنترل آمریکا بود و مثلا همه خلبانان ما باید در آمریکا آموزش می‌دیدند و این طور نبود که ارتش خودش کارهای ستادی را تمرین کرده باشد. نکته بعد اینکه به محض خروج شاه از ایران، آمریکا ارتباط فکری و لجستیکی با ایران را قطع کرد. ۱۲ میلیارد دلار پولی که بابت خرید تسلیحات به آمریکا داده شده بود، بعد از خروج شاه باقیمانده را به ایران ندادند. نکته بعدی من فکر می کنم دلیل فعال نشدن هاگ‌ها این بود که سیستم مستشاری از بین رفته بود.

ویژه

پیگیری قاطع پرونده «مهسا امینی»

نماینده اصلاح‌طلب مجلس با تاکید بر پیگیری قاطع پرونده «مهسا امینی» و اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق به مردم گفت: باید با مقصران برخورد شود تا دفعه دیگر این اشتباه‌ها تکرار نشود؛ این حرف حق است و باید مطالبه کرد اما این که توی خیابان بریزند، پرچم ایران را آتش زده، روسری از سر خانمی بردارند و نیروی انتظامی را کتک بزنند، دقیقا همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. مسعود پزشکیان در واکنش به حرکات تند در تجمعات چند روز گذشته و بعد از فوت «مهسا امینی» گفت: تاکید ما این است که باید موضوع خانم امینی پیگیری شده و با قاطعیت هم پیگیری می‌کنیم تا در صورت رخ دادن اتفاقی، طبق قانون و شرع با آن برخورد شود منتها اینکه عده‌ای در خیابان ریخته و نیروی انتظامی را کتک زده، حجاب از سر کسی پایین کشیده و پرچم ایران را سوزانده و پاره کردند.